اخبار

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس تشریح کرد

پیام‌های محرمانه آمریکا به ایران قبل و بعد از حمله به تأسیسات هسته‌ای

حجت‌الاسلام سیدمحمود نبویان، نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفت‌وگویی، با اشاره به توانمندی فرماندهان و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مقابل حملات اخیر اسرائیل و آمریکا، اظهار داشت: از روز چهارم و پنجم نبرد، درخواست‌های مکرر و مستقیم از سوی کشورهای مختلف برای توقف درگیری‌ها مطرح شد. با این حال، رهبر معظم انقلاب هرگونه توقف، مذاکره و سازش را رد کردند.

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به ابعاد پنهان و پیام‌های پشت پرده مرتبط با پاسخ موشکی ایران به تجاوزات رژیم صهیونیستی، گفت: آمریکایی‌ها پیش از حمله ایران، از طریق یکی از کشورهای منطقه، پیغامی فرستادند و حتی «لوکیشن» یک پایگاه نظامی را برای هدف قرار دادن، پیشنهاد کردند.

وی افزود: حدود ظهر روز شنبه، یعنی یک روز پیش از پاسخ ایران، یکی از کشورهای منطقه با ایران تماس گرفت و پیامی از سوی آمریکایی‌ها منتقل کرد. همان آمریکایی که به ما حمله کرده بود و تهدید می‌کرد اگر ایران پاسخ دهد، به‌شدت مقابله می‌کند، حالا با التماس پیغام می‌فرستاد اگر خواستید پاسخ دهید، ما را نزنید.

نبویان با اشاره به جزئیات این پیام، گفت: همان شب حمله اسرائیل، روبیو با یکی از وزرای کشورهای منطقه تماس گرفت و او نیز به وزیر امور خارجه ما پیام داد اسرائیل می‌خواهد حمله کند ولی ما (آمریکایی‌ها) دخالتی نداریم؛ ما را هدف نگیرید.

وی ادامه داد: حتی روز بعد، یعنی صبح یکشنبه، دوباره از سوی آمریکایی‌ها پیام آمد که اگر قرار است حمله کنید، بیایید یک پایگاه ما را هم بزنید، ما مشکلی نداریم! انگار می‌خواستند ما را در یک سناریوی نمایشی درگیر کنند. ما به قطری‌ها گفتیم هدف کجاست، آنها گفتند صبر کنید با آمریکایی‌ها مشورت کنیم، سپس آمریکایی‌ها یک مختصات مشخص فرستادند که فلان پایگاه را بزنید.

نبویان تأکید کرد: با این حال اما ما همان پایگاهی را هدف قرار دادیم که خودمان صلاح دیدیم، نه آنچه آمریکا پیشنهاد داد. پایگاه مهم هوایی آمریکا در قطر که از مهم‌ترین مراکز عملیاتی آنها در غرب آسیاست، مورد هدف قرار گرفت.

نماینده مجلس با اشاره به تغییر لحن آمریکایی‌ها پس از حمله ایران به پایگاه آمریکایی العدید قطر گفت: قبل از حمله، آمریکا به صراحت می‌گفت اگر پاسخ بدهید، به‌شدت مقابله می‌کنیم اما وقتی زدیم، لحن‌شان تغییر کرد و دوباره تماس گرفتند و خواستار توقف شدند. برای دهمین و شاید بیستمین بار، به ما التماس کردند.

کلیات طرح تقویت بنیه نیروهای مسلح تصویب شد

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از تصویب کلیات طرح تقویت بنیه نیروهای مسلح در مقابله همه‌جانبه با جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی در کمیسیون متبوعش خبر داد.

ابراهیم رضایی در تشریح نشست دیروز (یکشنبه ۲۲ تیرماه) کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، گفت: در این نشست کلیات طرح تقویت بنیه نیروهای مسلح در مقابله همه‌جانبه با جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی با حضور مسؤولانی از وزارت دفاع، ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تصویب رسید و برای بررسی بیشتر به کمیته دفاعی کمیسیون ارجاع شد.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به اینکه طرح مذکور به امضای ۱۲۰ نماینده مجلس رسیده و طراح آن علی خضریان، نماینده مردم تهران در قوه مقننه است، اظهار کرد: در جریان بررسی طرح، اعضای کمیسیون و مسؤولان وزارت دفاع، ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش و سپاه به بیان نظرات خود درباره این طرح پرداختند.

وی افزود: در این جلسه معاون وزیر دفاع گفت با جدیت و حمایت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، به دنبال تقویت منابع بودجه مورد نیاز برای نیازهای دفاعی کشور هستیم. علاوه بر این، هر کدام از مسؤولان گزارشی از حوزه مأموریتی خود ارائه کردند.

نماینده مردم دشتستان در مجلس تصریح کرد: کلیات طرح تقویت بنیه نیروهای مسلح در مقابله همه‌جانبه با جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی با یک ماده واحده و ۳ بند به تصویب رسید و احتمال اعمال تغییراتی در آن وجود دارد. در این طرح سازمان برنامه و بودجه و وزارت نفت مکلف می‌شوند ۱۰۰ درصد بودجه دفاعی سال ۱۴۰۴ مربوط به تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح و همین‌طور باقیمانده بودجه تأمین نشده سال ۱۴۰۳ مربوط به طرح‌های ویژه دفاعی را پرداخت کنند.

رضایی خاطرنشان کرد: همچنین سازمان برنامه و بودجه مکلف به پرداخت ۱۰۰ درصد سهم سالانه مصوبات شورای عالی امنیت ملی مربوط به تقویت بنیه دفاعی می‌شود. در این میان بانک مرکزی نیز مکلف می‌شود از محل آزادسازی منابع مسدودشده و سایر منابع، تسهیلاتی را جهت اجرای طرح‌های اضطراری دفاعی در اختیار ستاد کل نیروهای مسلح قرار دهد.

وزارت خارجه روسیه خبرسازی رسانه آمریکایی آکسیوس درباره تمایل مسکو به توقف غنی‌سازی ایران را تکذیب کرد

سفارش اختلاف!

تکذیب شد

AXIOS

وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای گزارش ادعایی سایت آکسیوس را مبنی بر اینکه روسیه خواستار غنی‌سازی صفر درصد از سوی ایران شده است، تکذیب کرد. طبق گزارش خبرگزاری تاس، وزارت امور خارجه روسیه این گزارش ادعایی را «کارزار سیاسی کثیف» خواند.

وزارت امور خارجه روسیه تاکید کرد: فقط می‌توان حدس زد این بار چه کسی سفارش‌دهنده بوده است اما یکی از آخرین انتشارات این نسخه با عنوان «پوتین از ایران می‌خواهد توافق با آمریکا را بپذیرد که به معنای غنی‌سازی صفر است»، به احتمال زیاد، یک کارزار کثیف سیاسی دیگر است که با هدف تشدید تنش‌ها پیرامون برنامه هسته‌ای ایران آغاز شده است.

بیانیه وزارت خارجه روسیه در تکذیب گزارش ادعایی سایت آکسیوس که مدعی شده بود مسکو از ایران درخواست پذیرش غنی‌سازی صفر درصد کرده است، نه‌تنها یک پاسخ دیپلماتیک به یک خبر جعلی بود، بلکه پرده از یک کارزار سیاسی پیچیده و چندلایه با هدف تضعیف ایران در ۲ جبهه بین‌المللی و داخلی برداشت. این کارزار که وزارت خارجه روسیه آن را «کارزار سیاسی کثیف» خواند، ۲ بعد اصلی دارد: نخست، ایجاد حاشیه و پیچیدگی در پرونده هسته‌ای ایران در سطح جهانی و دوم، بهره‌برداری جریان‌های رسانه‌ای ضدانقلاب و غرب‌گرایان در داخل ایران برای تضعیف اعتماد به شرکای راهبردی ایران، بویژه روسیه و ترویج گفتمان سازش با آمریکا.

در سطح بین‌الملل، انتشار اخبار جعلی مانند گزارش آکسیوس بخشی از یک استراتژی هدفمند برای حاشیه‌سازی پیرامون پرونده هسته‌ای ایران و افزایش فشارهای سیاسی و روانی بر تهران است. این اخبار جعلی که معمولاً بدون استناد به منابع معتبر منتشر می‌شود، تلاش دارد با ایجاد شکاف میان ایران و شرکای کلیدی‌اش، مانند روسیه و چین، جبهه دیپلماتیک حامی ایران را تضعیف کند. برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) از زمان خروج یک‌جانبه آمریکا در سال ۲۰۱۸ با چالش‌های متعددی مواجه شده است. در این میان، روسیه به عنوان یکی از اعضای اصلی برجام، به طور مداوم بر لزوم حل‌وفصل بحران از طریق گفت‌وگوهای دیپلماتیک تأکید و همواره نقش فعالی در حمایت از حقوق هسته‌ای ایران ایفا کرده است. انتشار اخباری مانند گزارش آکسیوس که مدعی است روسیه خواستار توقف کامل غنی‌سازی ایران شده، تلاشی برای القای این تصور است که حتی نزدیک‌ترین شرکای ایران در حال همسویی با خواسته‌های غرب هستند؛ امری که می‌تواند اعتماد به شرکای راهبردی را تضعیف کند. این کارزار رسانه‌ای همچنین در راستای اهداف گسترده‌تر غرب، بویژه آمریکا، برای حفظ فشار حداکثری بر ایران است. با ایجاد روایت‌های جعلی مبنی بر اختلاف میان ایران و شرکای شرقی‌اش، غرب تلاش می‌کند ایران را در انزوای دیپلماتیک قرار دهد و گزینه‌های سیاست خارجی آن را محدود کند. هرچند تا لحظه تنظیم این گزارش خبری از واکنش وزارت امور خارجه کشورمان به خبرسازی آکسیوس نبوده اما تکذیب سریع وزارت خارجه روسیه که این گزارش را «کارزار کثیف سیاسی» خواند، نشان‌دهنده هوشیاری مسکو نسبت به این بازی رسانه‌ای و تعهدش به حفظ همکاری‌های راهبردی با تهران است.

این واکنش همچنین حاوی پیامی به دیگر بازیگران بین‌المللی بود: مسکو اجازه نمی‌دهد روابطش با تهران به واسطه شایعات رسانه‌ای خدشه‌دار شود.

اما در بعد داخلی ماجرا، در ایران، جریان‌های رسانه‌ای ضدانقلاب و غربگرایان با موج‌سواری روی خبرسازی رسانه آمریکایی، اهداف سیاسی خود را پیگیری کردند. این ۲ جریان، به سرعت گزارش کذب آکسیوس را بازنشر کردند و با تحلیل‌های مغرضانه، روایتی را ترویج دادند که مدعی بود روسیه، به عنوان یکی از مهم‌ترین شرکای راهبردی ایران، در حال «خالی کردن پشت ایران» است. جریان‌های ضدانقلاب و غرب‌گرا با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کنند با ایجاد دوقطبی‌های کاذب (مانند شرق در برابر غرب)، افکار عمومی را به سمت پذیرش سیاست‌های غرب‌گرایانه سوق دهند.

این روایت‌سازی بخشی از یک پروژه کلان‌تر است که هدف آن بی‌اعتبار کردن شرکای شرقی ایران، بویژه روسیه و چین و القای این ایده غربی است که ایران برای حل مشکلات خود چاره‌ای جز کنار آمدن با آمریکا و غرب ندارد.

جریان غرب‌گرا در داخل ایران سال‌هاست سیاست «توجه به شرق» را مورد انتقاد قرار داده و همکاری با روسیه و چین را کم‌اهمیت یا حتی زیان‌بار جلوه می‌دهد. غربگرایان با القای اینکه روسیه و چین شرکای غیرقابل اعتمادی هستند، به دنبال مشروعیت‌بخشی به ایده بازگشت به مذاکرات یک‌طرفه با غرب هستند، مذاکراتی که تجربه نشان داده بیشتر به نفع آمریکا و به زیان منافع ملی ایران بوده است. در همین رابطه، یکی از اهداف اصلی این جریان، عادی‌سازی ایده تسلیم در برابر فشارهای غرب است. آنها با بزرگ‌نمایی اخبار جعلی و ایجاد فضای یأس و ناامیدی نسبت به شرکای شرقی راهبردی کشور، اینگونه القا می‌کنند ایران در انزوای کامل قرار دارد و تنها راه برون‌رفت از مشکلات اقتصادی و سیاسی، پذیرش خواسته‌های آمریکا، از جمله توقف غنی‌سازی است. این روایت در تضاد کامل با سیاست خارجی مستقل ایران قرار دارد که بر حفظ استقلال سیاسی و خودکفایی در حوزه‌های راهبردی تأکید دارد.

رسانه‌های وابسته به ضدانقلاب که عمدتاً در خارج از ایران فعالیت می‌کنند نیز نقش کلیدی در بازنشر و تقویت اخبار جعلی مانند گزارش آکسیوس دارند. این رسانه‌ها با انتشار تحلیل‌های جهت‌دار و هماهنگ، سعی در ایجاد یک موج روانی علیه سیاست خارجی ایران دارند و با استفاده از تکنیک‌های جنگ روانی، مانند بزرگ‌نمایی و تحریف، اینگونه وانمود می‌کنند که ایران در حال از دست دادن حمایت شرکای خود است.

اگرچه انتقاداتی نسبت به روسیه در داخل مطرح می‌شود اما در جریان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران، روسیه به همراه چین و پاکستان با ارائه پیش‌نویسی به شورای امنیت سازمان ملل، خواهان توقف فوری جنگ علیه کشورمان شدند. همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف از جمله انرژی، دفاع و دیپلماسی نیز قابل توجه است. این همکاری‌ها، بویژه در چارچوب‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس، به ایران امکان داده برابر فشارهای یک‌جانبه غرب مقاومت کند. در این شرایط، ایران باید با هوشیاری کامل برابر اینگونه کارزارهای رسانه‌ای عمل کند. تقویت همکاری‌های راهبردی با شرکایی مانند روسیه و چین، به عنوان وزنه‌های تعادل در برابر هژمونی غرب، از اهمیت حیاتی برخوردار است. علاوه بر این، دستگاه‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک ایران باید با اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع، روایت‌های جعلی را خنثی کنند و اجازه ندهند اخبار کذب به ابزاری برای فشار داخلی و خارجی تبدیل شود. البته یک نکته مهم نیز باید همواره مورد توجه قرار گیرد؛ اینکه نباید نگاه صفر و ۱۰۰ نسبت به همکاری با کشورها داشت. کشورها ضمن داشتن ملاحظات مربوط به منافع ملی خود، می‌توانند طیف وسیعی از موضوعات مشترک را تعریف کنند. در حالی که طبعا در برخی موضوعات نیز اختلاف نظر دارند.

درباره بیانیه جدید موسوی؛ چه کسانی با دادن گرای خیابان برای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بسترسازی کردند؟

هم‌نوا با نتانیاهو

مصطفی نصری

در حالی که ایده براندازی ایران از طریق اقدام نظامی و آشوب اجتماعی شکست خورده و پاسخ قاطع موشکی ایران در امواج بیست‌ودوگانه «وعده صادق ۳» به همراه همبستگی ملی ایرانیان، اسرائیل و آمریکا را ناچار کرد پس از تحمیل یک جنگ ۱۲ روزه درخواست آتش‌بس بدهند، روز جمعه میرحسین موسوی طی بیانیه‌ای خواهان «برگزاری رفراندوم برای تاسیس مجلس موسسان قانون اساسی» شد تا همان ایده شکست‌خورده براندازی و تجزیه از طریق اقدام نظامی این بار از تریبون سیاسی بازگو شود. اگرچه از موضوعیت افتادن کاراکتر سیاسی موسوی باعث شده این بیانیه حتی در بین اصلاح‌طلبان نیز سانسور شده و رسانه‌های آنها به آن نپردازند اما این اقدام از این جهت اهمیت دارد که تکمیل‌کننده رویکرد موسوی در مقدمه‌چینی جنگ تحمیلی علیه ملت ایران است و جهت ثبت در تاریخ کارآیی دارد. نقش موسوی در اعتراضات سال ۸۸ به عنوان عاملی که زمینه‌ساز دخالت‌های خارجی شد، همچنان نیز تداوم داشته و او بدون توجه به اینکه رویکردش در طمع آشوب و تجزیه ایران در دستگاه محاسباتی غرب موثر بوده، حالا خواسته یا ناخواسته به دهانی برای فریاد رویای کور اسرائیل از تریبون سیاسی تبدیل شده است.

■ **منادیان سوریه‌سازی ایران**

اسرائیل و آمریکا، با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی و تضعیف توان نظامی ایران، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را آغاز کردند. نتانیاهو پس از آنکه یک جنگ تحمیلی علیه ایران را کلید زد صریحا با درخواست برای آشوب‌های اجتماعی و خیابانی نشان داد او و اپوزیسیون ابزارشده‌اش به دنبال نابودی و تجزیه ایران از طریق تلفیقی از اقدامات نظامی و خیابانی هستند. این مدل در چند ماه اخیر در سوریه پیاده شده است؛ جایی که پس از سقوط بشار اسد و روی کار آمدن جولانی از طریق یک کودتای نظامی، رژیم صهیونیستی بلافاصله هدف قرار دادن زیرساخت‌های سوریه و همچنین اشغال بخش‌هایی از آن کشور را دستور کار قرار داد اما تنها عامل امیدواری به چنین مدلی در ایران روی کار آمدن جولانی نبوده است. مقصران اصلی تلقین این ذهنیت به نتانیاهو و ترامپ که می‌توانند ضمن حمله نظامی امیدوار به آشوب اجتماعی باشند کسانی هستند که پیش از این غرب را به کارآیی مسیر خیابان، بیش از اندازه امیدوار کرده‌اند. با چنین توصیفی واضح است میرحسین موسوی با کاری که در ۸۸ انجام داد یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های انگیزه‌بخش برای تحمیل یک جنگ ۱۲ روزه و کشتار ۱۰۰۰ نفر از ایرانیان بوده است، چرا که فتنه ۸۸ آغاز ایجاد شکاف اجتماعی در ایران و بدبین کردن مردم نسبت به نظام بود. او حالا پس از آنکه راهبرد اسرائیل به شکست انجامیده در یک بیانیه همان چیزی را مطالبه کرده که پیش از این نتانیاهو از طریق نظامی نتوانسته به دست آورد. جالب اینکه او در بزنگاه آشوب اجتماعی سال ۱۴۰۱ نیز همان رفتار مشابه ۱۴۰۱ را انجام داد. البته مصادیق و نمودهایی مانند شعار «نه غزه، نه لبنان» که در واقع راهبرد کلیدی رژیم صهیونیست برای تضعیف قدرت بازدارندگی ایران و در نهایت حمله نظامی به ایران بوده نیز نشان می‌دهد دست‌کم در مبانی، فصل مشترک‌هایی میان افکار موسوی و همین‌طور طراحان نقشه‌های خطرناک علیه ایران وجود دارد.

سال ۱۴۰۱ پس از شکست جنگ ترکیبی، موسوی با انتشار بیانیه‌ای ۳ راهکار برای براندازی نظام ارائه کرد؛ اول برگزاری همه‌پرسی برای قانون اساسی جدید! دوم تشکیل مجلس موسسان و سوم همه‌پرسی درباره مصوبات مجلس. بیانیه اخیر موسوی در تیرماه ۱۴۰۴، تکرار همان ایده‌های سال ۱۴۰۱ است اما این بار در شرایطی مطرح شده که ایران به‌تازگی از یک جنگ نظامی با اسرائیل و آمریکا خارج شده و با همبستگی ملی و پاسخ نظامی قاطع، توانسته دشمنان را وادار به پذیرش آتش‌بس کند.

■ **مسیر خیابان را موسوی به آمریکا یاد داد**

میرحسین موسوی که بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ به‌عنوان آخرین نخست‌وزیر ایران فعالیت می‌کرد، در زمان انتخابات سال ۸۸ قبل از اینکه شمارش آرا تمام شود خودش را برنده قطعی انتخابات اعلام کرد و بعد از اعلام نتایج نیز بدون اینکه تن به فرآیندهای بازشماری آرای برخی صندوق‌ها بدهد، مدعی تقلب در انتخابات شد. اعتراضات آن سال به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های سیاسی نظام جمهوری اسلامی در دهه‌های اخیر تبدیل شد. این اقدامات زمینه‌ساز سوءاستفاده دشمنان خارجی از شرایط داخلی ایران شد.

رهبر انقلاب در سخنرانی‌شان در ۲۴ اردیبهشت ۹۸، به نامه‌نگاری‌های باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا اشاره کردند و اظهار داشتند: «اوباما یک نامه «فدایت شوم» برای ما نوشت و ما هم بعد از مدتی یک جوابی به او دادیم و بلافاصله نامه دوم را نوشت؛ من می‌خواستم باز هم جواب بدهم که در این بین، فتنه ۸۸ پیشامد کرد. خوشحال رفتند سراغ فتنه‌گرها و دفاع از فتنه؛ حمایت از فتنه. به مجرد اینکه فتنه‌ای اینجا راه افتاد، همه آن حرف‌هایی که قبلا زده بودند، آن اظهار ارادت‌ها، کأنه فراموش‌شان شد و به جریان فتنه علیه جمهوری اسلامی ملحق شدند».

وقوع فتنه ۸۸ باعث شد آمریکا از مسیر مذاکره فاصله گرفته و به حمایت از جریان‌های آشوب‌طلب در ایران بپردازد. اقدامات میرحسین موسوی و دیگر رهبران جنبش سبز، به تقویت رویکردهای خصمانه غرب علیه ایران کمک کرد.

■ **این بیانیه امنیتی است، نه سیاسی**

بیانیه میرحسین موسوی که خواستار تغییر بنیادین ساختار نظام و برگزاری رفراندوم شده، به طور مستقیم با اظهارات نتانیاهو پس از جنگ ۱۲ روزه همراستا به نظر می‌رسد. نتانیاهو پس از آتش‌بس، به صراحت از لزوم ایجاد آشوب‌های اجتماعی در ایران سخن گفت و تأکید کرد این آشوب‌ها می‌تواند نظام ایران را تضعیف کند. حال کسی که یک بار همین ایده نتانیاهو را به گسترده‌ترین صورت ممکن اجرایی کرده است به تکمیل این راهبرد کمک می‌کند. این بیانیه که در زمانی منتشر شده که ایران به تازگی از یک جنگ خارجی، موفق خارج شده، می‌تواند به عنوان تلاشی برای ایجاد شکاف در همبستگی ملی و باز کردن دوباره راه برای دخالت‌های خارجی تفسیر شود، بنابراین مواجهه با آن نیز صرفا نمی‌تواند در چارچوب یک بیانیه سیاسی ساده و با صرف‌نظر از تبعات امنیتی آن تفسیر شود.

بیانیه‌نویس‌ها از مردم ترسیده‌اند

نگاه

ادامه از صفحه اول

در حالی که اکنون افکار عمومی بر درستی سیاست‌های جمهوری اسلامی در مواجهه با غرب صحه گذاشته و همبستگی ملی حول اعتباربخشی به این سیاست‌های جمهوری اسلامی شکل گرفته است، این جریان‌ها از لزوم تغییر سیاست‌ها سخن می‌گویند.

در حالی که واقعیات جنگ نشان داد این جریان‌ها و افراد منتقد هستند که باید در دیدگاه‌های خود، بویژه در قبال نوع مواجهه با غرب و همین‌طور سیاست‌های مرتبط با توان بازدارندگی کشور تجدیدنظر کنند اما این افراد و جریان‌ها به جای عبرت گرفتن از این جنگ و اصلاح نگرش‌ها و رویه‌های خود، از ضرورت تجدیدنظر نظام در سیاست‌های خود سخن می‌گویند! لذا کنش این جریان‌ها دقیقا در نقطه مقابل برآوردهای جامعه از این جنگ انجام و تعریف می‌شود.

۳- در شرایط فعلی، حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی ملی، یک ضرورت غیرقابل انکار است. تقریبا عمده کارشناسان بر این نظرند این انسجام و همبستگی هم در عدم تحقق اهداف نتانیاهو و ترامپ از جنگ ۱۲ روزه موثر بوده و هم موجب ارتقای توان بازدارندگی ایران و در نتیجه، تغییر محاسبات دشمن برای تداوم وضعیت جنگی و پیگیری اهداف کلان آن یعنی تغییر نظام و تجزیه ایران می‌شود. به همین خاطر حفظ و تقویت این دستاورد بزرگ، یک الزام و ضرورت امنیت ملی است.

بر همین اساس، باید صراحتا مقابل هر اقدامی که مخل این انسجام و همبستگی ملی است، ایستاد. بیانیه موسوی یا نامه آن ۱۸۰ نفر و بیانیه جبهه اصلاحات، مغایر همبستگی ملی است و به طور حتم ادامه این روند به انسجام ملی آسیب وارد خواهد کرد. بر همین اساس نقد این جریانات در راستای حفظ همبستگی ملی انجام می‌شود. از سوی دیگر نباید از مسؤولیت مدعی‌العموم در چنین مواقعی غافل شد. در وضعیت جنگی، هر اقدامی که خلاف منافع و امنیت ملی انجام شود، باید با سرعت و شدت مورد برخورد قرار بگیرد؛ بویژه از سوی کسانی که بیانیه‌های آنها با ادبیات نتانیاهو نوشته شده است.

قوه قضائیه ادعای کواکبیان را تکذیب کرد

مصطفی کواکبیان، نماینده سابق اصلاح‌طلبان در مجلس، پس از اظهارات جنجالی‌اش در آنتن زنده و احضار توسط قوه قضائیه، در صفحه اینستاگرام خود بار دیگر روی ادعاهایش پافشاری کرد و نوشت: اسناد و مدارک مربوط به کاترین شکدم را به دادسرای رسانه ارائه دادم. ایشان صراحتا بیان کرده از طریق روابط جنسی نیات پلید خود را پیگیری می‌کرده و نه فقط ۱۸ روز، بلکه مدت‌های مدیدی در ایران حضور داشته و در راهپیمایی‌های اربعین هم شرکت داشته است.

پس از این ادعا، قوه قضائیه اظهارات نماینده سابق اصلاح‌طلبان در مجلس را تکذیب و تاکید کرد او هیچ سند معتبری درباره ادعاهایش در برنامه تلویزیونی ارائه نکرده است.

در همین رابطه مرکز رسانه قوه‌قضائیه اعلام کرد نماینده سابق مجلس که در پی اظهارات خود در یک برنامه تلویزیونی به دادسرای تهران احضار شده بود، تاکنون هیچ سند معتبری در اثبات ادعای خود به مقام قضایی ارائه نکرده است.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، بعد از ادعاهای نماینده سابق مجلس در یک برنامه زنده تلویزیونی، دادسرای تهران وی را احضار و به او دستور داد با حضور نزد مقام قضایی، اسناد خود را ارائه کند. در پی احضار این فعال سیاسی اصلاح‌طلب به دادسرای تهران، وی با ارائه متن تایپ شده جعلی یک مصاحبه که البته پیش‌تر هم محتوای آن تکذیب شده بود و چنین مطلبی در هیچ رسانه معتبر داخلی و خارجی دیگری منتشر نشده است، عنوان کرد مستندات وی برای آن ادعای مجهول، این مصاحبه بوده است.

طبق اعلام قوه قضائیه، تصریح می‌شود نامبرده هیچ سند معتبر یا حتی لینک رسانه‌های داخلی یا خارجی درباره ادعای خود ارائه نداده است.